

موانع و راهکارهای توسعه فرهنگ مشارکت و تعاون در جامعه از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا

دکتر حشمت اله سعدی

استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا (گروه ترویج و آموزش کشاورزی)

Hsaadi48@yahoo.com

تلفن ۰۹۱۲۲۱۰۷۸۶۳

کد پستی دانشکده کشاورزی ۶۵۱۷۸۳۳۱۳۱

مهندس هادی فتحی

دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه بوعلی سینا

h.fathi@yahoo.com

نوع پژوهش: پیمایشی (میدانی)

محل تحقیق: دانشگاه بوعلی سینا

تاریخ انجام تحقیق: ۱۳۸۸

چکیده :

پژوهش حاضر به مطالعه موانع و راهکارهای توسعه فرهنگ مشارکت و تعاون در جامعه از دیدگاه اعضاء هیات علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بو علی سینا می پردازد. این مطالعه به شیوه پیمایشی انجام شده و از زمره تحقیقات تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه اعضاء هیات علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بو علی سینا است. از این جامعه به شیوه نمونه گیری تصادفی متناسب تعداد ۱۵۸ نفر برای بررسی انتخاب شده اند. در گردآوری داده ها از مصاحبه، پرسشنامه و مطالعات اسنادی بهره گرفته است. پرسشنامه مورد استفاده بر اساس پیش نگاشته های تحقیق تهیه و روائی صوری و پایای آن بررسی گردیده و و آلفای کرونباخ آن محاسبه و رقم ۰/۷۶ بدست آمده است. در تحلیل داده ها علاوه بر روش های توصیفی از تحلیل عاملی برای شناسایی عامل های کلیدی در عدم توسعه تعاون استفاده شده است. آزمون ویلکاکسون نیز برای مقایسه دیدگاه های دانشجویان و اعضاء هیات علمی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد، موانع توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت در جامعه را از منظر جامعه دانشجویان و اعضاء هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا می توان در چهار عامل کلیدی، نبود انگیزه و نگرش مثبت به تعاون، بی اعتمادی به تعاون در دولت و مردم، فردگرایی در جامعه ایران و بی اعتمادی به هم و گرایشات سنتی و نبود نهادهای اجتماعی خلاصه نمود. این چهار عامل مجموعاً ۳۵۷،۷۰ درصد واریانس کل را تبیین می نمایند. از مجموع متغیرهای موثر بر توسعه تعاون، دو متغیر نفع طلبی شخصی و بی اعتمادی مردم به هم در رتبه های اول و دوم قرار دارند. بخش دیگری از نتایج نشان می دهد، نظرات دانشجویان و اعضاء هیات علمی (در خصوص متغیرهای موثر بر شکل گیر تعاون) جزء در دو مورد با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند. ضمن اینکه رشته تحصیلی و جنسیت در نگرش افراد تاثیری نداشته است. در انتها با توجه به نتایج به دست آمده راهکارهایی ارائه شده است. واژگان کلیدی: مشارکت، تعاون، فرهنگ تعاون، دانشگاه بوعلی سینا

تعاون به معنی همکاری به منظور تأمین منافع متقابل است. تعاون را می توان نوعی کار و زندگی مشترک در سطح گوناگون فعالیت‌های اجتماعی دانست. اساساً میل انسان در تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است، زیرا از این طریق بهتر می تواند به اهداف خود برسد (توسلی، ۱۳۸۲). انسان و گروه‌های انسانی از طریق تعاون می توانند از سطحی از توسعه اجتماعی به سطحی غنی تر و مطلوب تر ارتقاء یابند (۲۰۰۳، Bogardus). معنی کلمه تعاون به جزء کار مشترک نیست، به بیان دیگر تعاون عبارت از گروهی متشکل از افراد می باشد که با مشارکت یکدیگر بتواند اموری را که انجام آن برای یک نفر مقدور نیست از عهده اش برآیند. تعاون را گاهی معادل خودیاری دانسته اند و گاهی نیز آن را مترادف با همیاری تعریف کرده اند. (مهدی طالب، ۱۳۷۶).

در تعاون و همیاری می توان به مشارکت فعال مردم دست یافت. اساساً وجود فرهنگ تعاون در جامعه زمینه ساز مشارکت عموم مردم است. می توان گفت توسعه تعاون و فرهنگ مشارکت رابطه متقابل و دو طرفه دارند. در فرهنگ های مختلف مفهوم مشارکت، تعاون و توسعه در کنار یکدیگر به کار رفته اند و امروز نگرش جدیدی به توسعه با عنوان توسعه مشارکتی رایج است (دری نوگورانی، ۱۳۶۹).

در جهان امروز مشارکت گسترده مردم در تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یکی از ملزومات دستیابی به توسعه پایدار به شمار می رود. شاید به همین دلیل است که یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی به موضوع تعاون اختصاص دارد. بنا به اصل ۴۴ قانون اساسی بخش تعاونی یکی از پایه‌های نظام اقتصادی کشور قلمداد شده و جایگاه همسنگ بخش خصوصی دارد. اما هیچگاه در طول تاریخ، بخش تعاون در کشور نتوانسته است جایگاه خود را پیدا کند. برخی را اعتقاد بر این است که اساساً فرهنگ تعاون و مشارکت در کشور نهادینه نشده است. زیرا پیش شرط های آن در جامعه شکل نگرفته است.

توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت با سازه‌های مختلفی پیوند خورده است و بازیگران متعددی در آن ایفاء نقش می کنند. دستیابی به تعاون ارتباط زیادی با گرایش‌های حکومت ها دارد، ضمن اینکه دسترسی به منابعی چون زمین، سرمایه، اطلاعات و مهارت برای شکل گیری مشارکت معنی دار و فعالیت‌های تعاون گونه بسیار اهمیت دارد. (Hughes, 1988). برخی تمایل به کار گروهی و فعالیت های مشارکتی را به مواردی چون تحصیلات بالاتر، منشا شهری داشتن، بزرگ بودن منطقه، عضویت در اتحادیه کارگری، مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه، فقدان فشار، مسابقه بالای اقامت در محل یا بومی بودن نسبت می دهند (Doowse, 1999).

واقعیت این است که در ادبیات نظری اهمیت تعاون و مشارکت در فرایند توسعه بر همگان روشن است و اکثر صاحب نظران بر کارکردهای مثبت آن صحنه گذاشته اند، اما سؤال اصلی این است که چگونه می توان به مشارکت و روحیه تعاون دست یافت و آن را در جامعه بسط داد؟ امروزه راهکارهای مختلفی در این خصوص پیشنهاد می کنند. ارنشتاین می گوید توزیع مجدد درآمد و امکانات باعث توسعه همکاری و مشارکت در جامعه می شود (اولکی و مارسون، ۱۳۷۰، از کیا و غفاری، ۱۳۸۰). گی روشه معتقد است کنش اجتماعی نهایتاً مبدل به مشارکت همیشگی می شود. (از کیا، ایمانی؛ ۱۳۸۷). جورج هربرت گرایش انسان به همکاری

با هم را تحت تأثیر ضعف زیستی ارگانیزم‌های انسانی می‌داند، این ضعف انسان را مجبور به همکاری با همدیگر می‌نماید (ریترز، ۱۳۷۴، ریمون، ۱۳۶۴، توسلی، ۱۳۷۴). تالکوت پاسونز نظام شخصیت و نظام اجتماعی را باعث کنش متقابل و نهایتاً همکاری گروه‌های مختلف با هم می‌داند (ازکیا، ۱۳۷۷، توسلی، ۱۳۷۴). دورکیم در شکل‌گیری فرهنگ تعاون و مشارکت به شکل‌گیری سازمان‌های واسطه (NGOs) تأکید دارد، وی معتقد است فقدان این نهادها می‌تواند عدم همکاری، از هم‌گسیختگی را به دنبال داشته باشد (ریمون، ۱۳۶۳). ماکس وبر مشارکت یا کنش متقابل را تابع انگیزه‌ها و اهداف می‌داند (ریمون، ۱۳۶۴؛ ریترز، ۱۳۷۴؛ توسلی، ۱۳۷۴). هالبوکس می‌گوید نیازهای اساسی انسان بیشتر باعث مشارکت افراد جامعه می‌شود (فروند، ۱۳۶۲). همونز انگیزش را عامل مشارکت می‌داند (توسلی، ۱۳۸۲) وی مصلحت (نفع شخصی مبتنی بر تأمل) و مشروعیت (مبتنی بر باور) از مهمترین انگیزه‌های افراد برای مشارکت می‌داند (فروند، ۱۳۶۲). از نظر مایرون وینز دموکراسی را در جامعه باعث نهادینه شدن مشارکت می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۱). ژوژگوریچ دانش افراد از رفتارها، نمادهای ارزش، افکار و تصورات باعث مشارکت می‌شود (گوریچ، ۱۳۵۷). موریس هالبواکس استعمار و فقر را عامل فقدان مشارکت و تعاون در جامعه می‌داند (هالبوکس، ۱۳۴۶). ژن لاین فقر را باعث طبقاتی شدن جامعه و عدم مشارکت همه ابعاد جامعه می‌شود (لاین، ۱۳۶۴). ویلیام کینگ اشاعه روح همکاری متقابل در کلیه شئون اجتماعی و آموزش را از عناصر مهم شکل‌گیری تعاون در جامعه می‌داند (نامغ، ۱۳۸۶).

در واقع سازه‌ها و عوامل مختلفی بر شکل‌گیری روحیه و فرهنگ تعاون و مشارکت در جامعه تأثیر می‌گذارد. در این مطالعه در نظر است نگرش اعضای هیئت علمی و دانشجویان در خصوص توسعه این فرهنگ بررسی شود. به این ترتیب هدف تحقیق عبارت است از بررسی راهکارهای توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت در ایران. برای دستیابی به این منظور اهداف اختصاصی زیر دنبال می‌گردد.

۱- بررسی نظرات اعضای هیات علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بو علی سینا در خصوص

موانع توسعه فرهنگ تعاون

۲- تحلیل عاملی نظرات جامعه مورد بررسی در خصوص موانع توسعه فرهنگ تعاون

۳- مقایسه نظرات اعضای هیات علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بوعلی سینا در خصوص

موانع توسعه فرهنگ تعاون

۴- مقایسه نگرش جامعه نمونه بر حسب جنسیت، رشته تحصیلی و دانشکده محل تدریس

۵- طراحی الگوی مفهومی برای توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت در جامعه

روش پژوهش و سنجش داده‌ها

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی است که به روش توصیفی-همبستگی و بر پایه راهبرد پیمایش^۱ انجام پذیرفته است. گردآوری داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه ساختارمند، پرسشنامه، مشاهدات و پرسش‌های میدانی صورت پذیرفته است. بر اساس

^۱ - survey research

پیشینه نگاشته‌های تحقیق پرسشنامه تدوین و روایی ظاهری^۱ آن توسط گروهی از متخصصان علوم تعاون، جامعه‌شناسی، ترویج و توسعه کشاورزی بررسی شده است. برای سنجش پایایی آن نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در تحقیقاتی که با راهبرد پیمایش انجام می‌شود محقق با انتخاب و مطالعه نمونه‌های منتخب از جامعه فراوانی، توزیع و روابط بین متغیرها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. در این نوع تحقیق محقق با تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از نمونه‌ها خصایص جامعه تعریف شده را استنباط می‌نماید. جامعه آماری تحقیق مجموعه اعضای هیات علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بوعلی سینا است. با توجه به نتایج پیش‌آزمون و با بهره‌گیری از فرمول کوکران تعداد ۱۳۶ نفر به طور تصادفی از جامعه کل انتخاب شده‌اند. در بخش توصیف اطلاعات از آمارهای توصیفی مثل فراوانی، درصد، میانگین، مد، انحراف معیار، واریانس، میانگین، ضریب تغییر و مواد دیگر بهره‌گرفته شده است. موارد فوق با بهره‌گیری از نرم افزار spss17 انجام خواهد شد. همچنین برای شناسای عوامل کلیدی موثر در تعاون از تحلیل عاملی و به منظور مقایسه نظرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای هیات علمی آزمون ویلکاکسون^۲ استفاده شده است.

نتایج و بحث

ویژگیهای فردی جامعه مورد بررسی:

سن جامعه مورد بررسی از ۲۲ تا ۵۵ سال (میانگین ۲۷,۸ با انحراف معیار ۶ سال) در نوسان است. از مجموع افراد مورد مطالعه ۲۱,۷ درصد زن و مابقی مرد هستند. نمونه‌های مورد بررسی به صورت کاملاً تصادفی از بین اعضای هیات علمی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده‌های مورد بررسی برگزیده شده‌اند (دانشکده کشاورزی ۳۶,۴ درصد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۱۱ درصد، دانشکده فنی و مهندسی ۹,۲ درصد و دانشکده علوم ۴۳,۴ درصد). ۲۱ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دکترا و مابقی دارای در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تحصیل می‌نمایند.

هدف اول: بررسی نظرات جامعه دانشگاهی در خصوص موانع توسعه فرهنگ تعاون در جامعه برای اولویت بندی نظرات جامعه دانشگاهی از ضریب تغییر (CV)^۳ استفاده شده است. در این ضریب ضمن توجه به میانگین رتبه ای نظرات، پراکنش دیدگاه‌ها هم مد نظر قرار می‌گیرد. بر اساس آنچه در جدول (۱) آمده است نفع طلبی شخصی (میانگین رتبه ای ۴,۳۷ و $CV=0.18$) مهمترین مانع در توسعه فرهنگ تعاون در جامعه است. این نتیجه با نتایج بررسی فروند (۱۳۶۲) تطبیق دارد،

¹ - face validity

² - willcoxon

³ - Coefficient change

وی مصلحت اندیشی و ترجیح نفع شخصی بر نفع جمعی را مهمترین مانع در شکل گیری تعاون و مشارکت می داند. یافته‌ها نشان می‌دهد، بی اعتمادی مردم به یکدیگر (میانگین رتبه ای ۴,۳۳ و CV =0.82) در اولویت دوم قرار دارد. نهادینه نبودن روحیه مشارکت و همکاری در جامعه در کنار بی سوادی و مشکلات تبیین مفهوم تعاون متغیرهایی هستند که در اولویت‌های بعدی قرار دارند. منطق و شیوه کار جمعی از اصول ثابت توسعه است. در جامعه توسعه یافته افراد گرایش به کار جمعی دارند و فردگرایی (سریع القلم، ۱۳۸۴). آنگونه که جدول (۲) نشان می‌دهد، کندی روند فعالیت‌های تعاون گونه در کشور (میانگین رتبه ای ۳,۵۲ و CV =0.33) و وقت گیر بودن امور تعاونی (میانگین رتبه ای ۳,۱۴ و CV =0.34) کمترین اولویت را در این خصوص دارند، به این معنی که جامعه مورد بررسی به این دو عامل اولویت کمتری را می‌دهند. به بیان ساده تر نتایج جدول حاکی است از دیدگاه جامعه دانشگاه نمونه، نقش تعاون و فعالیت‌های آن تأثیر اندک در کاهش گرایش‌های مردم به تعاون دارد، اما نبود زمینه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی مانع اصلی است.

جدول (۱)، نظرات جامعه دانشگاهی دانشگاه بوعلی سینا در مورد موانع توسعه تعاون در جامعه

اولویت	ضریب تغییر	انحراف معیار	میانگین	موانع توسعه تعاون در جامعه
۱	۰,۱۸	۰,۷۹	۴,۳۷	نفع طلبی شخصی
۲	۰,۱۹	۰,۸۲	۴,۳۳	بی اعتمادی مردم به هم
۳	۰,۲۰	۰,۸۰	۴,۰۶	نهادینه نبودن روحیه همکاری در مردم
۴	۰,۲۲	۰,۹۰	۴,۱۷	بی سوادی و درک صحیح از تعاون
۵	۰,۲۲	۰,۹۲	۴,۱۲	درگیر بودن مردم در نیازهای اولیه
۶	۰,۲۲	۰,۸۷	۳,۹۰	نا آگاهی به فواید مشارکت و تعاون
۷	۰,۲۲	۰,۸۴	۳,۸۳	فقدان سابقه ذهنی مثبت از تعاون و مشارکت در ذهن مردم
۸	۰,۲۳	۰,۹۳	۴,۲۳	عدم تحمل مردم در شنیدن نظرات دیگران
۹	۰,۲۳	۰,۹۵	۴,۰۹	بی اعتمادی مردم به کار جمعی و گروهی

۱۰	۰,۲۳	۰,۹۴	۴,۰۷	فقر اقتصادی توده های مردمی
۱۱	۰,۲۴	۰,۹۵	۴,۰۱	نبود انگیزه برای تعاون
۱۲	۰,۲۴	۰,۹۰	۳,۷۲	نبود سازمانی برای تبیین و معرفی مفهوم مشارکت و تعاون
۱۳	۰,۲۵	۱,۰۲	۴,۰۷	عدم ضرورت توسعه بخش تعامن از نگاه دولت
۱۴	۰,۲۵	۱,۰۲	۴,۰۶	فقدان نهادهای اجتماعی
۱۵	۰,۲۵	۰,۹۸	۳,۸۸	کمبود سازمانهای مردم نهاد
۱۶	۰,۲۵	۰,۹۳	۳,۷۱	ناآگاهی مردم به فرایند مشارکت و تعاون
۱۷	۰,۲۷	۰,۰۱	۳,۷۶	گسست اجتماعی در جامعه
۱۸	۰,۲۹	۱,۱۰	۳,۸۴	نبود آمادگی روانی مردم برای انجام امور تعاونی
۱۹	۰,۲۹	۱,۰۴	۳,۵۶	وجود روحیه انزوا گرایی در جامعه
۲۰	۰,۳۱	۱,۱۵	۳,۷۷	جدی نبودن دولت در توسعه تعاونی ها و مشارکت مردمی
۲۱	۰,۳۱	۱,۰۸	۳,۵۱	وجود دیدگاههای سنتی در انجام امور
۲۲	۰,۳۳	۱,۱۵	۳,۵۲	اعتقاد مردم به کندی فرایند تعاون در کشور
۲۳	۰,۳۳	۰,۰۸	۳,۱۴	وقت گیر بودن فعالیتهای تعاونی و مشارکتی

کاملاً موافق=۵ موافق=۴ تا حدی موافق=۳ مخالف=۲ کاملاً مخالف=۱

هدف دوم: تحلیل عاملی نظرات جامعه مورد بررسی در خصوص موانع توسعه فرهنگ تعاون برای بررسی عامل‌های کلیدی به عنوان موانع تعاون و مشارکت در کشور از دیدگاه جامعه مورد بررسی از تحلیل عاملی استفاده شده است. تحلیل عاملی را به سبب نیرومندی، ظرافت و نزدیکی آن به هسته هدف علمی ملکه روش‌های تحلیلی می‌دانند (کرلینجر، ۱۹۸۶ ترجمه پاشا شریفی و نجفی زند، ۱۳۷۶). هدف اساسی این روش عبارت است از شناسایی عوامل زیربنایی یا زمینه ساز متغیرها. در این راستا وجه مشترک متغیرها، با توجه به واریانس مشترک شناسایی و سپس توسط محقق نامگذاری می‌شود. با وجود توانمندی این روش در تحلیل داده‌ها، امکان استفاده از آن در هر شرایطی وجود ندارد.

داده‌هایی برای تحلیل عاملی کاربرد دارند که شایستگی لازم برای این کار را داشته باشند. برای این منظور از آزمون بارتلت با ضریب KMO استفاده می‌نمایند، چنانچه مقدار KMO بالاتر از ۰,۵ باشد، می‌توان با اطمینان خاطر از تحلیل عاملی استفاده کرد. این ضریب در مطالعه‌های حاضر برابر ۰,۷۶۳ می‌باشد که رقم مناسبی است، آزمون بارتلت نیز در سطح ۹۹ درصد (sig=...) معنی دار می‌باشد. پس از اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، از چرخش وریماکس برای دستیابی به عامل‌های معنادار استفاده شده است. تعداد عامل‌ها بر اساس مقادیر ویژه از قبل تعیین شده است. عوامل استخراج شده در جدول (۲) آمده است. این عوامل مجموعاً ۷۰,۳۵۷ درصد واریانس مربوط به موانع توسعه تعاون در جامعه را تبیین می‌نمایند.

جدول (۲)، تعداد عامل های استخراج شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی

ردیف	نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی
۱	نبود انگیزه و نگرش مثبت به تعاون (نهادینه نشدن تعاون)	۲۷,۱۲۱	۲۲,۴۳۳	۲۲,۴۳۳
۲	بی اعتقادی به تعاون در دولت و مردم برای رفع نیازها	۳۴,۱۳۰	۱۷,۷۰۵	۴۰,۱۳۸
۳	فرد گرایی در جامعه و بی اعتقادی به هم	۵۰,۱۱۱	۱۵,۵۵۰	۵۵,۶۸۳
۴	گرایشات سنتی و نبود نهادهای اجتماعی	۷۰,۳۷۰	۱۴,۶۶۹	۷۰,۳۵۷

هر یک از عامل های فوق الذکر خود از چند متغیر شکل گرفته اند. وضعیت بارگذاری عامل ها پس از چرخش بر مبنای قرار گرفتن متغیرهایی با بار عاملی بزرگتر از ۰,۵ در جدول (۳) آمده است. در این جدول متغیرهایی که بار عاملی آنها کمتر از ۰,۵ باشد به دلیل کم اهمیتی حذف شده اند.

عامل اول: نگرش منفی به فعالیت های گروهی: همانگونه که جدول (۲) نشان می دهد، این عامل به تنهایی ۲۲,۴۳۳ درصد از واریانس کل را تبیین می کند، به بیان ساده تر ۲۲,۴۳۳ درصد موانع توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت به نگرش منفی مردم به فعالیت های گروهی ارتباط دارد. این عامل خود شامل ۷ متغیر اساسی فقدان سابقه ذهنی مثبت از تعاون، نا آگاهی به فواید مشارکت و تعاون، نهادینه نبودن روحیه تعاون و ... می باشد. مردم در مراودات روزانه، تصویر شفاف و مثبتی از تعاون در ذهن خود ندارند. ضمن اینکه اساساً آگاهی از تعاون و مفهوم آن محدود است. مجموع این عوامل انگیزه مردم برای حضور در تعاون و گرایش به فعالیت های جمعی را کاهش می دهد. این نتیجه با نتایج بسیاری از محققان که فقدان انگیزه را در توسعه تعاون موثر می دانند تطبیق دارد (kanda, 1994). نکته دیگر آن که بسیاری از مردم به فواید تعاون آگاه نیستند، بدون شک فقدان آموزش و ترویج تعاون در جامعه عامل مهمی در عدم شناسایی مزایای فعالیت های گروهی و تعاونی است. موضوعی که مرکز مطالعات تعاونی دانشگاه ویسکونسین (UWCC, 2006) و محققان دانشگاه آنکارا (Mülayim, 2003) به آن دست یافته اند.

عامل دوم، بی اعتقادی دولتمردان و مردم به تعاون: همان گونه که جدول (۲) نشان می دهد، این عامل به تنهایی ۱۷,۷۰۵ درصد از واریانس کل را تعیین می کند، به بیان ساده تر ۱۷,۷۰۵ درصد موانع توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت به بی اعتقادی دولت مردان و مردم به تعاون ارتباط دارد. این عامل خود شامل ۴ متغیر اساسی: عدم تحمل مردم در شنیدن نظرات دیگران، وقت گیر بودن فعالیت های تعاون، جدی نبودن دولت و ... است. بدون شک توسعه تعاون در جامعه نیاز به همکاری نهادهای دولتی با مردم و داشتن برنامه مدون در این خصوص دارد، جامعه دانشگاهی معتقد است اعتقاد کافی به کارآمدی بخش

تعاون به مشکلات جامعه وجود ندارد. بسیاری از مطالعات انجام شده در خصوص تعاون ضعف مدیریت و عدم آشنایی یا بی اعتقادی مدیران به مدیریت تعاون را عامل مهمی در توسعه فرهنگ تعاون می دانند. خانا (khana, 1993) معتقد است کسانی که در حوزه ترویج تعاون و مدیریت تعاون فعالیت دارند به اصول و مبانی کار آشنا نیستند. این مساله اهمیت تربیت مروجین حرفه ای در بخش ترویج تعاون را نشان می دهد.

عامل سوم، فرد گرایی و بی اعتمادی به دیگران در جامعه ایرانی: همان گونه که جدول (۲) نشان می دهد، این عامل به تنهایی ۱۵,۵۵۰ درصد از واریانس خود را تبیین می کند، به بیان ساده تر ۱۵,۵۵۰ درصد موانع توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت به فرد گرایی و بی اعتمادی به دیگران در جامعه ایرانی به تعاون ارتباط دارد انسان فردگرا خود را محور دنیا می بیند و همه چیز را بر حسب منافع و خود پنداشت هایش می سنجد و اصولاً پاسخ او به محیط یک واکنش درونی برای به کارگیری کم است (Hosted) (and bond,1984). این عامل خود شامل ۷ متغیر اساسی است: بی اعتمادی مردم به هم، بی منافع خود است . جوامعی که افراد فرد گرا داشته باشند میلی به تعاون ندارد اساساً در جامعه فردگرا وفاداری به گروه اعتمادی مردم به کار جمعی و گروهی، نبود آمادگی روانی برای انجام امور تعاون و ... است.

جدول (۳) عوامل و متغیرهای تشکیل دهنده و میزان بارهای عاملی بدست آمده از ماتریس دوران یافته

اولویت	نام عامل	متغیرها	بار عاملی
اول	نگرش منفی به فعالیتهای گروهی	فقدان سابقه ذهنی مثبت از تعاون و مشارکت در ذهن مردم	۰,۵۸۰+
		ناآگاهی به فواید مشارکت و تعاون	۰,۵۳۸+
		نهادینه نبودن روحیه همکاری در مردم	۰,۵۹۵+
		کمبود سازمان های مردم نهاد	۰,۶۱۸+
		نبود سازمانی برای تبیین و معرفی مفهوم مشارکت و تعاون	۰,۷۵۸+
		ناآگاهی مردم به فواید مشارکت و تعاون	۰,۷۳۱+
دوم	بی اعتمادی دولتمردان و مردم به تعاون	نبود انگیزه برای تعلووم برای انجام امور تعاونی	۰,۸۲۹+
		اعتقاد خردم بود که نفعی نداشتند نظرات دیگران	۰,۵۳۵+
		توجه نداشتن به فعالیت های تعاونی و مشارکتی	۰,۵۹۵+
		وجود زواریه ات و اولادگرایی و تبعیضات معلونی ها و مشارکت	۰,۶۹۴+
		تفریح طلبی شخصی	۰,۸۵۵+
چهارم	نبود نهادهای اجتماعی و	فقدان زیرساخت های توسعه ای بخش تعاون از نگاه دولت	۰,۵۶۶+
سوم	وجود هرگز یا کمی سونتی اعتمادی به دیگران در	بی اعتمادی مردم به هم	۰,۶۶۶+
		توجه نداشتن به دیگران در	۰,۶۹۵+

۰,۶۶۴	فقر اقتصادی توده‌های مردم		
۰۷۰۱	درگیر شدن مردم در نیازهای اولیه		

عامل چهارم، نبود نهادهای اجتماعی و وجود گرایش‌های سنتی: همان گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد، این عامل به تنهایی ۱۴,۶۶۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، به بیان ساده تر ۱۴,۶۶۹ درصد موانع توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت به نبود نهادهای اجتماعی و وجود گرایش‌های سنتی ارتباط دارد. این عامل خود شامل ۵ متغیر اساسی: فقدان نهادهای اجتماعی، بی‌سوادی، وجود دیدگاه سنتی و ... است، این عامل با دیدگاه دورکیم تناسب بسیار دارد. ولی وجود سازمان‌های واسط را عامل مهمی در توسعه مشارکت در جامعه می‌داند، و اعتقاد دارد بدون وجود این سازمان‌ها تحقق مشارکت با چالش‌های اساسی روبرو می‌شود.

هدف سوم، مقایسه نظرات اعضاء هیأت علمی با نظرات دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا: آیا بین نظرات اعضاء هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی تفاوت وجود دارد؟ جدول (۳) نشان می‌دهد، تنها در خصوص ۲ متغیر عدم ضرورت بخش تعاون از نگاه دولت و عدم تحمل مردم در شنیدن نظرات دیگران بین دیدگاه اعضاء هیأت علمی و دانشجویان تفاوت وجود دارد. در سایر موارد دیدگاه‌ها به هم نزدیک است، در خصوص هر ۲ متغیر یاد شده دانشجویان تحصیلات تکمیلی دیدگاه منفی تری دارند، به عبارتی معتقدند دولت ضرورتی برای توسعه بخش تعاون احساس نمی‌کند ضمن اینکه مردم هم در جامعه ایرانی تحمل شنیدن نظرات مخالف را ندارند.

جدول (۴)، مقایسه نظرات اعضاء هیأت علمی با نظرات دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا

sig	z	دانشجو		هیأت علمی		متغیرها
		انحراف ف معیار	میانگین ن	انحراف ف معیار	میانگین ن	
0,594	- 0,534	1,0576 8	4,050 0	0,8870 1	4,1351	نبود نهادهای اجتماعی و احزاب
0,385	0,839	0,8945 6	4,176 5	0,87078	4,2703	بی سواد توده‌های مردم
0,166	- 1,386	0,8202 9	4,313 7	0,8673 2	4,4324	نداشتن اعتماد افراد به هم در جامعه
0,719	- 0,360	0,9109 5	4,107 8	1,0498 1	4,1892	بی اعتقادی مردم به کارهای گروهی و جمعی
0,899	- 0,127	1,1235 6	3,500 0	0,9733 7	3,6757	سنتی بودن جامعه
0,844	- 0,146	0,8132 2	3,852 9	0,9364 2	3,8919	نبود سوابق ذهنی درست از تعاون و مشارکت
0,758	- 0,308	0,9174 8	3,902 2	0,7071 1	4,0000	کم بودن آگاهی مردم از فواید تعاون و مشارکت
0,423	- 0,801	0,7882 5	4,049 0	0,8767 9	4,1892	نهادینه نشدن روح همکاری و تعاون
0,540	- 0,612	1,0252 6	3,833 3	0,8328 8	4,0270	کمبود سازمان‌های مردم نهاد (NGOs)
0,769	- 0,294	0,9421 2	4,058 8	0,9475 7	4,1351	فقر اقتصادی بخشی از جامعه
0,824	- 0,222	1,1083 8	3,862 7	1,0375 8	4,9189	ناهنجاری و مسایل روانی و اجتماعی
0,969	- 0,039	0,9259 1	4,117 6	0,9079 2	4,1892	برآورد نشدن نیازهای اولیه
0,046 *	1,993	0,9173 3	4,343 1	1,1507 9	3,8108	نبود دموکراسی در جامعه
0,132	- 1,505	0,8156 9	4,415 8	0,6610 1	4,2973	گرایش به نفع شخصی و برتری آن بر انگیزه‌های اجتماعی
0,063	1,873	0,8777 4	3,774 5	0,9586 0	3,5676	نبود سازمانی برای آموزش مردم از فواید مشارکت بر زندگی آنها
0,377	- 0,883	1,1667 4	3,509 8	1,0368 6	3,6216	کند بودن امور از طریق تعاون
0,967	- 0,041	1,0410 4	3,186 3	1,2235 2	2,9459	وقت گیر بودن عضویت در تشکلهای گروهی
0,123	- 0,993	0,9391 1	3,870 0	1,1210 5	3,4865	نظام گسیختگی اجتماعی
0,151	- 1,437	1,0028 6	3,637 3	1,1930 7	3,5135	انزوایابی
0,164	- 1,391	0,9580 3	3,732 7	0,8382 7	3,7297	نا آگاهی به فرایند و مراحل مشارکت و تعاون

0,710	-	0,9591	4,029	0,8937	4,0811	نبود انگیزه برای کار گروهی
	0,371	2	4	6		
0,308	-	1,1750	3,813	1,0633	3,6216	ضروری نبودن تعاون و مشارکت از نظر دولت
	1,019	7	7	1		
*0,03	-	0,9824	4,156	1,1156	3,7568	جدی نبودن امر مشارکت و تعاون از نظر دولت
	2,095	7	9	8		

کاملاً موافق= ۵ موافق= ۴ تا حدی موافق= ۳ مخالف= ۲ کاملاً مخالف= ۱

هدف چهارم، مقایسه نگرش جامعه نمونه بر حسب جنسیت، رشته تحصیلی و دانشکده محل تدریس: برای بررسی تفاوت نگرش گروه‌های مختلف جامعه مورد بررسی به موانع موجود در توسعه تعاون و مشارکت در جامعه با توجه به جنس متغیرها از آزمون‌ها ناپارامتریک من ویت نی و کروسکال والیس به شرح جدول (۵) استفاده شده است همان گونه که ملاحظه می‌شود در هیچ موردی تفاوت معنی دار بین نظرات مردم مشاهده نمی‌شود. این بدان معنی است که در خصوص موانع مشارکت دیدگاه زنان با مردان به هم بسیار نزدیک است. همچنین بین دیدگاه دانشجویان و اعضای هیات علمی در دانشکده‌های مختلف نسبت به موضوع مورد بررسی تفاوتی وجود ندارد و نهایتاً این که حتی افراد با رشته‌های مختلف نظرات مشابه و نزدیک به هم دارند.

جدول (۵) مقایسه گروه بندی رتبه ای و فاصله ای متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر گروه بندی	جنس متغیر	متغیر وابسته	جنس	آزمون	مقدار	p
جنس	اسمی دو وجهی	موانع مشارکت و تعاون	رتبه ای	من ویت نی	۲/۲۱۵	۰/۱۰۵
دانشکده محل فعالیت	اسمی چند وجهی	موانع مشارکت و تعاون	رتبه ای	کروسکال والیس	۸/۲۸۳	۰/۲۲۰
رشته تحصیلی	اسمی چند وجهی	موانع مشارکت و تعاون	رتبه ای	کروسکال والیس	۵/۲۶۳	۰/۲۳۱

نتیجه گیری پیشنهاد

ارائه الگویی مفهومی برای توسعه مشارکت و تعاون در جامعه (هدف پنجم مقاله)

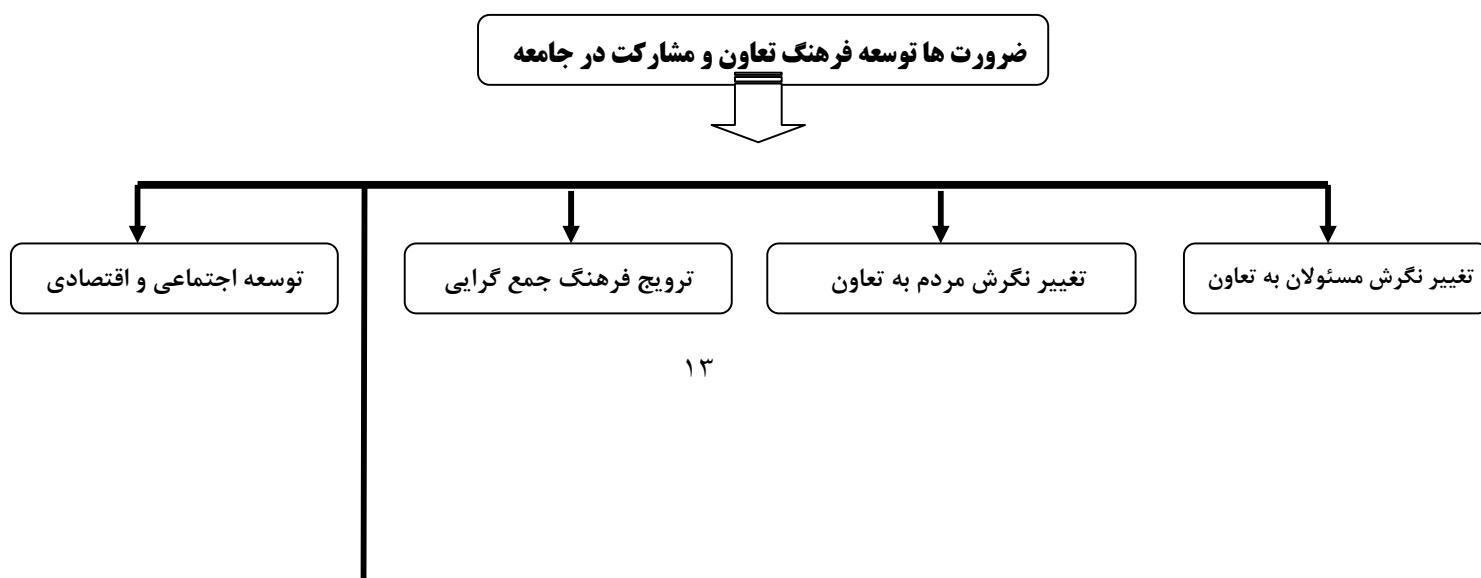
گرچه از قدیم الایام نهضت تعاونی کم و بیش وجود داشته و مورد توجه قرار می‌گرفته، اما اساساً بعد از جنگ جهانی دوم است این مساله به عنوان راهبردی برای حل مشکلات اقتصادی جهان، عدالت اجتماعی و فقر زدایی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفت. جنبش تعاونی، در دهه‌های اخیر به تدریج در کشورهای آسیا و اقیانوسیه بوجود آمد و به آن اندازه وسعت یافت که اکنون بیش از ۵۰٪ اعضا تشکیل دهنده اتحادیه بین‌المللی تعاون، متعلق به این منطقه هستند (نوچی، ۱۳۷۱). اهمیت نهضت تعاون در جهان به گونه ای است که سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد اغلب بر اهمیت آن بویژه در طرح‌های توسعه جامع تأکید نموده و از دولت‌ها درخواست می‌کنند تا در حد توان خود به این سازمان‌ها کمک کنند (Ekpe, 1994). با وجود این فرهنگ تعاون در بسیاری از کشورهای جهان سوم نهادینه نشده و با موانع و مشکلات بسیاری روبرو است. در این مطالعه برخی از موانع از دیدگاه بخشی از جامعه (جامعه دانشگاهی) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با توجه به آنچه در خصوص موانع آمد، می‌توان راهکارها و راهبردهای الزامی برای نهادینه نمودن نهضت تعاون در جامعه ایران را به شرح ذیل در غالب مدل مفهومی (۱) نمایش داد. در این مدل به چهار عامل کلیدی توجه شده است.

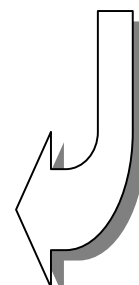
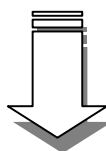
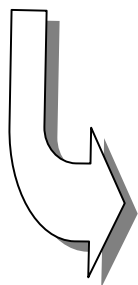
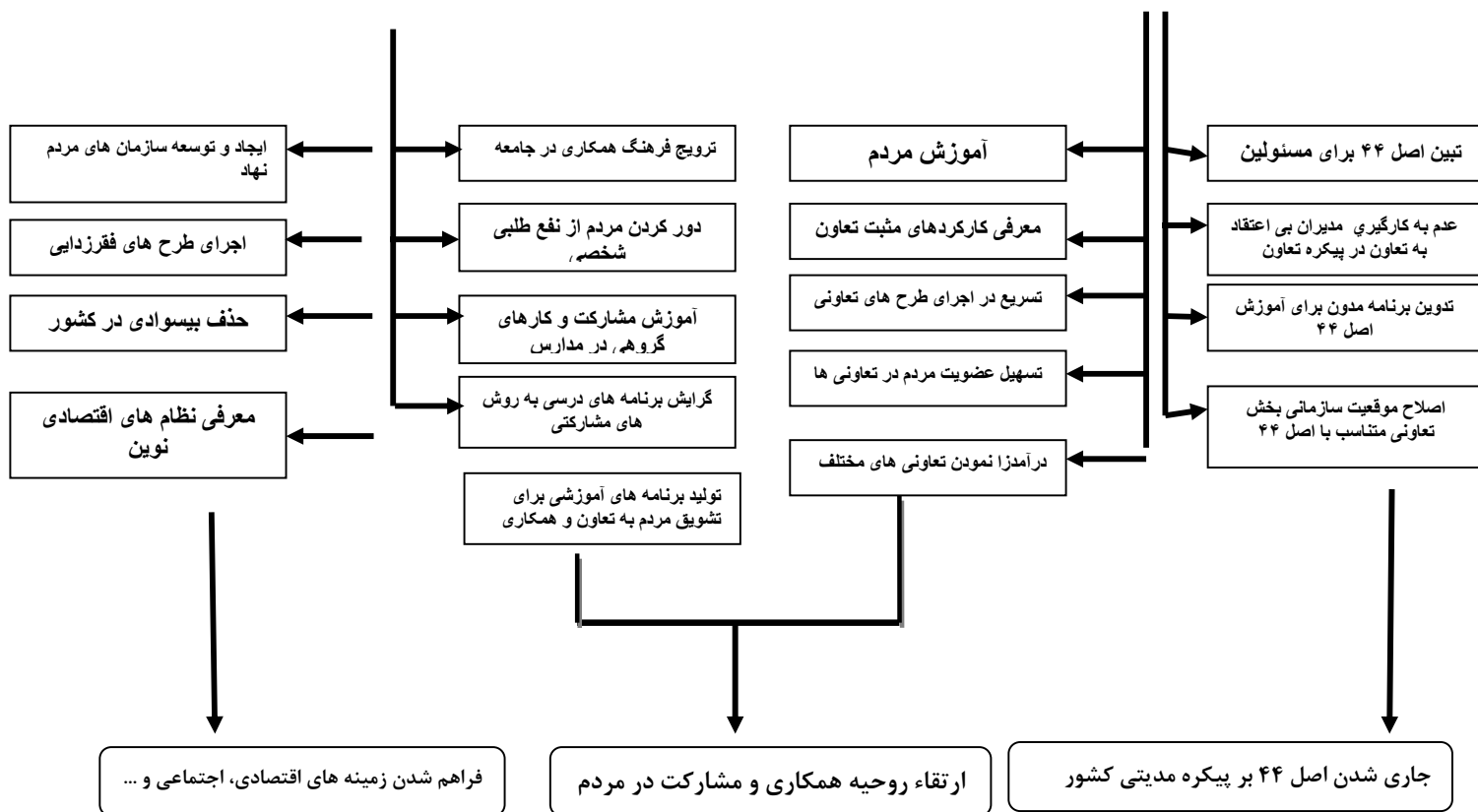
۱- تغییر نگرش مسئولین به نقش و جایگاه تعاون و مشارکت در کشور: اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی به جایگاه و اهمیت بخش تعاون در توسعه اختصاص دارد. در اصل ۴۳ که ضوابط نظام اقتصادی کشور برشمرده شده، ضمن تأکید بر انسان محوری اقتصاد و تحقق اهداف عدالت اجتماعی، بر بخش تعاونی تأکید ویژه‌ای شده است. بنا به اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش تعاونی یکی از پایه‌های نظام اقتصادی کشور قلمداد شده و جایگاه همسنگ بخش خصوصی دارد. با وجود این متأسفانه در هیچ یک از برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور، توسعه بخش تعاونی بطور جدی مورد توجه نبوده و تا کنون نتوانسته به جایگاه و اهداف مورد انتظار قانون اساسی دست یابد. بدون شک اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی نیاز به همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف اجرایی دارد. این مساله ضرورت به کاری گیری مدیران آشنا به اصول تعاون و معتقد به حضور مرموم را نشان می‌دهد. بر این اساس لازم است، اصل ۴۴ قانون اساسی برای سطوح مختلف مدیران تبیین شده و آموزش‌های لازم به افراد داده شود.

۲- تغییر نگرش مردم به بخش تعاون: فلسفه اصلی بخش تعاون حضور توده‌های مردم در فعالیت‌های تعاونی است. بدون مشارکت مردم اساساً تعاونی شکل نمی‌گیرد. بر این اساس باید نگرش مردم به بخش تعاون تغییر یابد. آموزش مردم، معرفی کارکردهای مثبت تعاون برای مردم، تسریع در اجرای طرح‌های تعاونی و نهایتاً ایجاد بستر لازم برای عضویت آسان مردم از جمله پیشنهادهای است که می‌توان برای تغییر نگرش مردم به تعاون ارائه داد.

۳- ترویج فرهنگ گروهی در جامعه: جامعه زمانی می تواند پله های توسعه را طی کند که عناصر انسانی تشکیل دهنده آن منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح دهند، چرا که در صورت تامین منافع ملی و گروهی منافع فردی نیز تامین خواهد شد. بر این اساس باید از طریق رسانه های جمعی و آموزش های مختلف در مقاطع مختلف تحصیلی زمینه های رشد تفکر جمعی را در جامعه ایجاد نمود.

۴- توسعه اقتصادی، اجتماعی: بر اساس نتایج این تحقیق اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به ویژه در حوزه فقر زدایی پیوند خورده است. توصیه کلی آن است که دولت تلاش خود را برای محو بی سوادی و ارتقاء سطح درآمد مردم مضاعف نمایند تا بتوانند با طرح های توسعه تعاون بدون توجه به منافع آنی آن شرکت نمایند.





توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت در جامعه

نمودار (۱) راهکارهای توسعه تعاون و مشارکت در جامعه

مدل (۱)، راهکارهای توسعه فرهنگ تعاون و مشارکت در جامعه

منابع

- ریمون. آ. (۱۳۶۴). بزرگان اندیشه جامعه شناسی، (ترجمه باقر پرهام). تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- ازکیا، م. و ع. ایمانی (۱۳۸۷). توسعه پایدار روستای. تهران: اطلاعات

- ازکیا، م. (۱۳۷۷). جامعه شناسی توسعه، تهران: انتشارات کلمه
- توسلی، غ. (۱۳۷۴). نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت
- توسلی، غ. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- دری نوگورانی، ح. (۱۳۶۹). مشارکت در فعالیت های اقتصادی، تحلیلی بر مفاهیم روش ها؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- ریترز، ج. (۱۳۷۴) نظریه معاصر جامعه شناسی. (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: انتشارات علمی
- سریع القلم، م. (۱۳۸۴). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران. مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- طالب، م. (۱۳۷۹). اصول و اندیشه های تعاون، ویرایش ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- فروند، ژ. (۱۳۶۲). جامعه شناسی مارکس وبر (ترجمه عبدالحسین نیک گهر)، تهران: نشر نیکن
- فرهادی، م. (۱۳۸۱) یاریگری واقعیت ها و ضرورت ها، و پیشینه یاریگری در تاریخ آدمیان، تهران فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵ و ۱۶
- گوریچ، ژ. (۱۳۵۷). مطالعاتی در باره طبقات اجتماعی، از مارکس تا به امروز. (ترجمه باقر پرهام). تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی ایران
- کرلینجر، ف. آ. (۱۳۷۶). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. موسسه انتشارات آوای نور.
- گی، ر. (۱۳۶۷). کنش اجتماعی، (ترجمه هما زنجانی زاده). تهران: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
- لاین، ژ. (۱۳۶۴). جامعه شناسی فقر (ترجمه جمشید بهنام)، تهران: انتشارات خوارزمی
- نوچی، ت. (۱۳۷۱). توسعه نهضت تعاون کشاورزی ژاپن و حمایت های گسترده دولت: گزارش دولت ژاپن به کنفرانس وزرای تعاون منطقه آسیا و اقیانوسیه. تعاون، ۱۸: ۴۲-۴۰.
- نامغ، پ. (۱۳۸۰). مدیریت در تعاون ها، تهران: نشر هنرستان
- هالبوکس، م. (۱۳۶۴). طرح روانشناسی طبقات اجتماعی (ترجمه علی محمد کاردان)، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
- Bourdieu. D. (۲۰۰۳). Ineglite dechances. paris. Collin
- Doowse R. & J. hughe (۱۹۹۹). political sociology. Johnwiley and LTD.
- Ekpe, E. (1994). Major factors affecting development of farmers' coopertives in selected local government areas of Ogun State. Journal of Rural Development and

Administration, 26,(2),21-32. (From Rural Development Abstracts, 1995, 18(1), Abstract No. 160)

- Hughes.A.. (1988). Ulternative forms and level of participation ageneral surrey in poular participation in planning for basic needs editedby franklyn. Lisk.

Areburly.cambridge

- Hosted, G & H. Bond (1984). Hofstede's culture dimensions: an independent validation using Rokeach's value survey. Journal of Cross-Cultural vol,26.

- Oakley P. & D. marsden .(1987).approaches to participation in rural development genera: international labour .

-Kanda, M. (1994). Cooperative movement in Andhra Pradesh-review of policies and programmes. Journal of Rural Development (Heydarabad), 13(3),295-307. (From Rural Development Abstracts,1995, 18(1),Abstract No. 162)

- Mülayim, Z. G. (2003). cooperative, Yetkin Yayınları. Ankara.

- UWCC (2006). Farmer's Cooperative and the City of Keota, Iowa: A Case Study.

University of Wisconsin. Center for cooperative. Online:

<http://www.uwcc.wisc.edu/info/fra/keota.html>.

- Khana, J. (1993). Cooperative versus noncooperative behavior: the case of agricultural research. Review of Economics and Statistics, 75(2), 346-352. (From CAB Abstracts, 1993-1994, Abstract No. 931859058)

-

Barriers and solutions to developing participation and cooperation culture in society as perceived by students and faculty members of Buali Sina University

1) Dr. H. Saadi

2) Ing. H. fathi

*1) Assistant Professor, Agricultural Extension & Education Department, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran.
Email: hsaadi48@yahoo.com , hsaadi48@basu.ac.ir*

*2) Ms university student (rural development)
Email: h.fathi@yahoo.com*

Abstract

The main purpose of this study is to identify barriers and solutions to developing participation and cooperation culture in society as perceived by students and faculty members of Buali Sina University. Therefore, the research method used was survey research whose randomly selected statistical population were Buali Sina University faculty members and M.Sc. and B.Sc. students (N=158). A questionnaire with 81 forced-choices was utilized. Empirical and face validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts consisted of both faculty members and Agricultural specialists. The questionnaire reliability which is estimated by Cronbach's Alpha was 0.76. In this research, in addition to descriptive methods of data analysis, the factor analysis method was also utilized with using KMO (0.763) and Bartlett tests (sig = 0.000). Results indicate that barriers to participation and cooperation development shall be classified into four key factors 1) Lack of motivation and positive attitude 2) distrust of government and people to cooperate, 3) Individualism and distrust to each other, and 4) Lack of social institutions. This factor is determined 70.357 % of the total variance of effective factor on barriers to participation and cooperation development. The distrust and individualism are the most important factors for unwillingness to cooperate. The results also showed that there is no difference between viewpoints of faculty members and students on factoring affecting developing cooperation culture except in two items.

Key Words: Cooperation, participation, cooperation culture, Hamedan province, Buali Sina University